

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه - کابل

۰۸ می ۲۰۲۰



بازی در میدان حریف



چند روز قبل سالروز تولد "خواجه عبدالله انصاری" بود. آقای "قتالی" والی هرات هم باید می‌رفت و رفته بود. تنها والی ماسک پوشیده بود. وقتی داخل زیارت شد احساس کرد همه به سویش می‌بینند. با خود گفت نماینده رسمی دولت است و وظیفه دارد قواعد صحی را رعایت کند. با ماسک پیش رفت. نزدیک مزار وقتی چشم مولوی مجیب الرحمان انصاری به آقای قتالی خورد، پرسید شما اینجا چه می‌کنید؟

والی گفت: خواجه صاحب بزرگ همه ماست و من هم مثل شما برای دعا آمده‌ام.

مولوی گفت: خواجه در مناجاتی می‌گوید: "الهی ... تو بیمار کنی و خود بیمارستان کنی، درمانده کنی و خود درمان کنی." آیا به این مناجات باور داری؟

والی گفت: بلی باور دارم.

مولوی پرسید: اگر باور داری پس چرا ماسک پوشیده‌ای؟

والی گفت: من به‌خاطر بیماری خودم نمی‌پوشم. برای آن که بیماری را به دیگران، اهل و عیال و دوستان انتقال ندهم، ماسک می‌پوشم.

مولوی گفت: جناب خواجه بزرگ گفته است: "هرکس که ترا شناخت جان را چه کند*** فرزند و عیال و خانمان را چه کند". اگر واقعاً در خط خواجه هستی، بهانه مگیر. بکش آن تکه ناچیز را از رویت و به خدای بزرگ پناه ببر. والی جواب نداشت و ماسکش را کشیده به جیب گذاشت. می‌خواست در جای خلوت و با رعایت فاصله بنشیند. مولوی دستور داد که در وسط مؤمنان بنشیند. نشست و دعا خواند. آن جوان بی‌ماسک بی‌کلاه بین دو مولوی، والی هرات است.

هنگام برگشت والی جگر خون بود. آه کشیده گفت: "آبرویی نماند به ما این مولوی بی‌آب." راننده ظریف که دیده بود والی در برگشت ماسک نداشت، حدس زد چه اتفاق افتاده و گفت: "والی صاحب وقتی با قاعده حریف در میدان او بازی کنی، امیدی به برنده شدن نیست."